

(( به نام خداوند جان و خرد ))

سخنرانی سرور محسن پزشکیپور (پندار)

پاینده ایران

نخستین پیام آور پان ایرانیسم



○ کی این حکومت را آورد دیپلماسی آمریکا، کی این حکومت را آورد کنفرانس گوادولوپ، کی این

حکومت را آورد توطئه های دیرین استعماری، ملت ایران این حقایق را فراموش نمی کند.

○ نه خرمشهر را خدا آزاد نکرد، خرمشهر را مقاومت ملت ایران آزاد کرد.

○ آن پیروزی چیست؟ انتقال حاکمیت از حاکمیت فرقه ای به حاکمیت ملی هیچ راهی جز این وجود ندارد.

○ ما امروز شعاری دهیم به این خودکامگیا بطور قطع پایان خواهیم داد.

برخی مسائل مهم و حائز اهمیت در سخنانی که در آغاز نشست بیان کردم مطرح شد حال نیازی به تکرار آنها نمی بینم. بخصوص که وقت دیر است و دوستان خسته هستند. اما چند نکته دیگر که ضروری است بیان کنم این است که حوادثی که از هنگام آغاز تظاهرات دانشجویی پیش آمد تا به این زمان بار دیگر منعکس کننده ی عزم و اراده ملت ایران برای رسیدن به آزادی و اعمال بی چون و چرای حق حاکمیت ملی بود بدیهی است این کوششها و تلاشها، حاکمیت فرقه ای را خوش نیامد و در نتیجه به مانند غالب هنگامه های تاریخی و به مانند حاکمیت های گوناگون برای منصرف کردن ملت ایران از پیوستن به یک مبارزه وسیع و شامخ ملی مطالب بسیار خود می سازند. خود مطرح می کنند و سعی می کنند این مطالب را بزرگ کنند. که هرگز اینها صحت ندارد من بیاد دارم در زمانهایی که نیروی جوان و بیباک پان ایرانیسم در آغاز نبرد به میدان رزم تنگاتنگ با جبهه وسیع توده نفتی آمده بود تبلیغات وسیع حاکمیت بر این بود که (حاکمیت وقت) که توطئه های مارکسیستی و نفوذ و گسترش حزب توده با خود داستان تجزیه ایران را خواهد داشت در حالی که چنین چیزی نبود. بارها این مطالب را همان زمان بیان کردیم اکنون هم بیان می کنم که در آن هنگام بدانید هرگز صف ایران پرست پان ایرانیست هیچ گونه حمایتی از سوی حاکمیت وقت و یا سیاستهای دیگر نمی شد ولی پان ایرانیستها توانستند در صحنه های مختلف نبرد این توطئه های وسیع جبهه توده نفتی را در هم بشکنند و پرچم مبارزات ملی را ابتداء در صحنه دیستانها، دبیرستانها، دانشگاهها و سپس سراسر ایران زمین به حرکت در بیاورند ولی واقعیت این است که حاکمیت برای اعمال حکومت خودش، برای توجیه اقدامات جابرانه و ستمگرایانه سعی میکرد که موضوع خطر مارکسیست و کمونیست را بیش از آن حدی که بود برای ملت ایران بزرگ بکند تا انگیزه های غارت و چپاول ملت ایران را توجیه بکند. اکنون وضع و خیم تر است. حاکمیت فرقه ای که تمام پایه های یک حاکمیت مشروع را از دست داده و فاقد هرگونه مشروعیتی است و در هر صحنه ای هم حضور پیدا کرده فقط برای ایجاد بحران و بحران سازی بوده که این بحرانها غالباً در مسیر مصالح ملت ایران نبوده، برای اینکه سیاست خفقان و سرکوب گرایانه خود را ادامه بدهد و مارا از دو چیز می ترسانند:



یکی حضور نیروهای بیگانه که به هیچ وجه ملت ایران نشان داده به سبب درگیری با حاکمیت فرقه ای از هیچ نیروی بیگانه، استقبال نخواهد کرد. این درست همان فکری بود که بر اساس آن در هنگام هجوم نیروهای مسلح و صدام حسین و حامیان او، که تمام دنیای وقت بود از فرانسه بگیرد تا آلمان از آلمان بگیرد تا آمریکا، از آمریکا بگیرد. تا تمام حکومت‌های عربی، اینها تمام قدرت‌هایشان را در اختیار صدام حسین گذاشتند به عنوان مجری برنامه‌های آنها، ملت ایران چه وضعی داشت، یک ارتش اعدام شده، خلبانانی که خود محکوم به اعدام بودند و در گوشه‌های زندان منتظر بودند، ولی آمدند و پرواز کردند با هواپیماها و توطئه دشمنان ایران را در هم کوبیدند. یک مدیریت غارتگر که با سرعرفات و جورج حبش را به خوزستان آورده بودند و در صدد این بودند که برخی از آنها، خوزستان را به آنها واگذار کنند. عربستان دوم و فلسطین دوم را آنجا وجود بیاورند. کی مقاومت کرد، کی این برنامه‌ها را به هم زد، کی حبیب جورج حبش را از شادگان بیرون راند؟ کی توطئه‌ی با سرعرفات و همکاران او را که دست به گردن با سرعرفات بودند را در هم کوبید؟ ملت ایران، مردم ایران، جوانان ایران همانهایی که دانسته به سبب خیانت‌های حاکمیت فرقه ای برای دفاع از مملکت، برای دفاع از وجد به وجد خاک ایران، در حالیکه می دانستند بدنه‌های آنها قطعه قطعه خواهد شد. یک لحظه بعد، روی مین هارفتند، با شوق و اشتیاق و سرودخوانان، سرود آزادی ایران را سردادند و مادر طی تاریخ معاصر با پیشکش کردن عظیم ترین تعداد شهداء در یک جنگ و تحمل عظیم ترین و وسیع ترین تعداد جانبازان توانستیم آن توطئه را در هم بشکنیم، به طور قطع حاکمیت فرقه ای قصد پیروزی ایران را نداشت. در موارد متعدد معلوم شد در صحنه‌های مقاومت عقب نشستند. فاو به چه دلیل تخلیه شد، جزایر مجنون را به چه دلیل تخلیه کردند، همین جزایر مجنون بود که هاشمی رفسنجانی در یکی از خطبه‌های نمازهای جمعه گفت: که ما خسارات ایران را از منابع نفتی همین جزایر مجنون تأمین خواهیم کرد ولی چرا عقب کشیدند، و در نتیجه مبارزان و رزمندگان ایران را در شرایطی سخت و هولناک قرار دادند و در واقع اینها را، به دام شکست گرفتار کردند. پس ما قبول نکردیم، ملت ایران قبول نکرد، به همین مناسبت حزب پان ایرانیست به عنوان یک حزبی یک نهضتی که مورد خطر بود، مورد خطر اعدام بود. ما مثال دکتر عاملی را در برابر جوخه‌های آتش از دست دادیم، و تمامی موجودیت تشکیلاتی حزب در معرض مخاطره بود، ولی ما به عنوان مقابله حاکمیت فرقه ای با حزب پان ایرانیست و پان ایرانیسم در آن هنگامه‌های سخت به مانند برخی دیگر با دشمنان ایران همکاری نکردیم و راه مقاومت و مبارزه را طی کردیم این راهی بود که ملت ایران طی کرد. **فرقه خرمشهر را خدا آزاد نکرد، خرمشهر را مقاومت ملت ایران آزاد کرد.** این یک واقعیت است. بنابراین باید به این سخنان ایمان داشته باشیم همان ملت هرگز اجازه نخواهد داد که هیچ بیگانه ای در این سرزمین تاخت و تاز بکند، اینجا کشور تازه استقلال یافته ای به مانند دولت عراق نیست، اینجا ایران، اینجا سرزمینی است که مرز شیران، اینجا مرکز مقاومت است. پس دروغ میگویند ما را از چه می ترسانند، مگر نه اینکه همین دیپلماسی ایالات متحده آمریکا و همکاران غربی او در کنفرانس گرادولوپ، همین حکومت به اصطلاح مذهبی را به ایران تحمیل کردند. **کی این حکومت را آورد دیپلماسی آمریکا، کی این حکومت**

را آوردن گفرائس گوادولوپ، کی این حکومت را آوردن قوطنه های دیرین استعماری، ملت ایران این حقایق را فراموش نمی کند و حزب پان ایرانیست به عنوان حزب پاسدار ارزشهای ملی ایران، به عنوان چراغ راهنمای تاریخ ایران در این مقطع از زمان، این حقایق را نمی گذارد پنهان بماند. ناراحتی حاکمیت فرقه ای از ما برای همین است این واقعیت را باید بیان کرد، دروغ و تزویر تاکی به کدام سیاستهایی برنامه های انرژی اتمی ایران را که در شرف به نتیجه رسیدن بود برهم زدند. کدام سیاستی به گناه، برپایی اوپک، اتحادیه کشورهای تولیدکننده نفت سعی کردند مدیریت و رهبری ایران را در اوپک به زانودر بیاورند. کدام سیاستهایی برنامه های وسیع اقتصادی ایران را در هم کوبیدند. صریحاً بدانید حتی عراق را برای خودشان مزاحم اجرای برنامه می دانستند. مزاحم اجرای برنامه های جهانی آمریکا کدام قدرت بود؟ قدرت ملت ایران در پس آنهایی خواستند قدرت ملت ایران و این منطقه وجود داشته باشد. بنابراین این واقعیت را بدانید این یک حقیقت بزرگ است شما این را در هر کجا باید مطرح کنید در هر کجا باید بازگو کنید. اگر ایران نیرومند و جودی داشت اگر آن قدرت در منطقه وجود می داشت بعد از فروپاشی اتحادیه ی جماهیر شوروی همین برادران تاجیکستانی در کنار ماقرار می گرفتند و این مرزهای پوشالی از بین برده می شد. همین کردهای هم نژاد ما در دو سوی مرزها رهایی پیدامی کردند و دوباره پرچم وحدت و یگانگی ایرانی بزرگ و نیرومند برافراشته می شد. پرچمی که ما هرگز نخواهیم گذاشت سقوط کند. بنابراین آن قدرت را خواستند کوبیده شود پیش از هر چیز آمریکا و صهیونیسم میخواست آن قدرت کوبیده شود. سرشان را مثل کبک زیر برف نکنند. بنابراین این یک مسئله. امام می دانیم اینها در وسط راه و در ابتدای راه در برابر هر فشاری تسلیم می شدند. مگر نشدند تاکنون، مگر امروز نشستی دید که هفتصد میلیون یورو قرارداد برای خرید تکنولوژی با آلمان بستند، این قرارداد را کی پرداخت می کند، آلمان، نه ملت ایران! هنوز اندکی تهدیدها شروع نشد. دستها به تسلیم ناردی بالامی رود. مگر استعمار روسیه را دوباره تا گلوهانش را برنگردند. امام مسئله دیگری پیش آمد. این جنبش ملت ایران است که در مسیر بحق خودش برای کسب آزادی و استقلال و رهایی از قید حاکمیت فرقه ای آغاز کرد و دنیا را به اعجاب واداشته و بار دیگر ملت ایران شأن و احترام لازم را در جامع بشری پیدا کرد. این نتیجه ای است که برای ملت ایران حاصل شده شما کمابیش حتماً در جریان هستید، این سخنان، سخنان زمامداران کشورهای مختلف، مطالبی که بیان می کنند حکایت از این دارد که حساب ملت ایران را بطور کامل از حساب حاکمیت فرقه ای جدا کردند و این آن چیزی است که حاکمیت فرقه ای نمی خواست برای جهان نمودار بشود. بنابراین مبارزه ای است که باید دنبال بشود. امروز سخن از سالروز شهادت بابک هست ولی حقیقت این است که وقتی به این چهرها نگاه می کنم در این زمان حاکمیت فرقه ای صدها، هزارها و دهها هزار بابک ها به پا خاستند در میان ملت ایران و اینها امیدهای ما است اینها از این امیدهای ما هستند، نگرانند ولی این دست و پازدتهای مذبحخانه به جایی نمی رسد، یک زمانی می خواستند زبانه های ما را از حلقوم هایمان بیرون بکشند ولی ما امروز شعاری دهیم به این خودکامگیا بطور قطع پایان خواهیم داد، عزم و اراده ما پان ایرانیستها بر این است و بطور قطع عزم و اراده ملت ایران و جوانان ایران نیز چنین است. بنابراین موقعیت را در یادید. من صریحاً اعلام می کنم



برابر ملت ایران هیچ خطری تمامیت ارضی ایران را تهدید نمی کند. این خطر اگر هم باشد از سوی حاکمیت فرقه ای است. آنها که بسیاری از منابع ما، ساحلهای ما، آبهای ما را به هیچ انگاشتند بیهوده باد توکلومی اندازند که بعد از دوستان سال مقاومت آنها سبب شد، مقاومت به اصطلاح روحانیت سبب شد، که یک وجب از سرزمین ایران جدا نشود ولی بهتر است روحانیت پاسخ بدهد که مسیبت تجزیه سرزمینهای قفقاز بود.

کی مسیبت آن حادثه بود، چه قدرتی بود که بافتوای جهاد، ملت ایران در شکست و چاله ای شوم قرار داد. ترکمن جای قرار داد و کی بود که بسیاری از فرصتها را از ملت ما گرفت. پاسخ مردم ایران را کی میدهد؟ پاسخ مردم نخجوان را کی میدهد؟ مردم نخجوان چه گناهی کردند که باید جدا از برادران و خواهران خود زندگی کنند؟ اگر است می گویند جواب مردم چین را کی می دهد؟ و مناطق دیگر؟ بنابراین آنچه را که پیش آمد یک صحنه پرافتخار بود برای معرفی ایران به جهانیان، در این منطقه حساس و خطرناک یک ملتی سرفراز و مقام به پا خاست. حقا این مشعل را ابتدائاً نسل روشن بین و روشنگر جامعه ایران یعنی دانشجویان برافروختند و فراراه ملت ایران قرار دادند ولی به سرعت مبارزه از حد و طیف یک مبارزه دانشجویی خارج شد. شوخی نیست ۴۰۰۰ بازداشتی این به هیچ وجه در هیچ یک از مبارزات صدساله اخیر ایران سابقه نداشته؟ بنابراین مبارزه تبدیل شده یک مبارزه مردمی می گویند فقط ۳۰ درصد بازداشتی ها دانشجویان هستند. معلوم است بقیه چه کسانی هستند؟ مادران دانشجویان، خواهران دانشجویان، برادران دانشجویان، کاسب محل، بیکار، ستم دیده، ستم کشیده و ملت ایران. این موج گسترش پیدا خواهد کرد و نباید بگذاریم این موج خاموش بشود. بدیهی است حزب پان ایرانیست مواضع خود را روشن کرد و دنبال خواهد کرد بهر حال اگر گمان می کنند که مبارزه مردم ایران وقفه پیدا کرده است اشتباه می کنند، تازه ما در پایان یک مرحله و در آغاز مراحل جدیدی از مبارزه هستیم و این مراحل جدید ما را به پیروزی خواهد رسانید و آن پیروزی چیست؟ انتقال حاکمیت از حاکمیت فرقه ای به حاکمیت ملی هیچ راهی جز این وجود ندارد. تمام مسائل و مشکلات دیگر تا وقتی که این حاکمیت فرقه ای راه ملت ایران را مسدود کرده به قوت خود باقی خواهد بود و بی گمان همه باید دستهای نیرومند و عزم های اراده خود را نشان بدهیم و بالا ببریم و در استقرار حاکمیت ملی و نفی مطلق حاکمیت فرقه ای بکوشیم و در این مسیر است که بیان می کنم که چون هارش نبه آینده برابر است با ۱۸ تیر و بهر حال بانگ آزادی و نبرد در سرتاسر تهران و همه ایران طنین انداز خواهد شد تا هر پان ایرانیست به سهم خود و به توان خود در صحنه اجتماع مبارزات و وظایف خود را ایفا کند.

پاینده ایران.

شامگاه چهارشنبه ۸۲/۲/۱۱